

۱۵۰۳۰۶۸

۱۳۹۶/۸/۱

آذری

یا زبان باستان آذربایجان

احمد کوهی تبریزی

به کوشش

عقاب علی احمدز



نشر هزار کرمان

تهران - ۱۳۹۶

سرشناسه : کسروی، احمد، ۱۲۶۹ - ۱۳۲۴
 عنوان و پدیدآور : آذری یا زبان باستان آذربایجان / احمد کسروی تبریزی؛ به کوشش عقاب
 علی احمدی
 مشخصات نشر : تهران: هزار کرمان، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری : ۱۱۸ ص: نمودار (رنگی)
 فروست : زبان های ایرانی
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۱۲-۱
 یادداشت : فیپا
 یادداشت : کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت چاپ و منتشر شده است.
 یادداشت : ص.ع. به انگلیسی:
 Azari or The Ancient Language of Azarbaijan
 یادداشت : کتابنامه: ص ۹۹ - ۱۰۸
 یادداشت : نمایه
 موضوع : Azari dialect -- History
 موضوع : زبان آذری -- تاریخ
 موضوع : زبان های ایرانی -- ایران -- آذربایجان
 شناسه افزوده : علی احمدی، عقاب ۱۳۴۴ -
 رده بندی کنگره : PIR ۳۲۴۲/۴۵ ۱۱۱۵
 رده بندی دیویی : ۴۴۹۱
 شماره کتابخانه ملی : ۴۶۲۷۱۴۳



نشر هزار کرمان
 نشر هزار کرمان: تهران، خیابان کرگ، پوی، پایین تر از میدان پاستور،
 خیابان دانشگاه جنگ، پلاک ۹ تلفن: ۰۹۱۲۷۳۳۴۴۶۶ - ۶۶۹۲۳۹۴۶
 www.hazarekerman.ir Email: nashrhazarkerman@yahoo.com

آذری یا زبان باستان آذربایجان

نوشته احمد کسروی تبریزی
 به کوشش: عقاب علی احمدی
 طرح روی جلد: قباد شیوا
 طراح نشانه نشر هزار: محمد جهانی مقدم
 حروفچینی: خسرو هادیان
 چاپ اول (ویرایش اول): ۱۳۰۴
 چاپ اول ناشر: ۱۳۹۶
 شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه
 لیتوگرافی: کارا؛ چاپ: غزال؛ صحافی: مینو
 ناشر: انتشارات هزار کرمان

ISBN: 978-600-5700-12-1

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۱۲-۱

فهرست

۷	یادداشت زبان‌شناسی
۹	دیباچه
۱۳	گفتار یکم: مردم و زبان استان آذربایجان
۲۳	گفتار دوم: زبان ترکی چگانه و فارسی به آذربایجانیان راه یافته؟
۳۹	گفتار سوم: چند سخن در پیرامون آذری
۴۹	گفتار چهارم: نمونه‌هایی که از آذری در دست است
۶۵	گفتار پنجم: آنچه از این نمونه‌ها برمی‌آید
۷۳	گفتار ششم: نمونه‌هایی که شاید از آذری است
۸۱	گفتار هفتم: نمونه‌هایی از آذری کنونی
۹۸	یادآوری
۹۹	کتابشناسی «زبان آذری» و «آذربایجانی» به زبان فارسی
۱۰۹	نمایه

یادداشت ویراستار

نود سال از زمانی که احمد کسروی تبریزی، تاریخنگار و زبان‌شناس برجسته ایرانی کتاب آذری یا زبان باستان آذربایجان را با سرمایه خود منتشر کرد، می‌گذرد. او، چنان‌که خود گفته است، انجام این پژوهش و انتشار آن را پاسخ به ناراحتی‌های گروهی می‌داند که مدعی بودند، «آذربایجان از آغاز جایگاه تیره‌ی ترک‌تبار، و زبان آذربایجان از آغاز ترکی بوده است.»

کسروی در این کتاب، با ستردن چهار هزار ساله از واژگان دگرگون‌شده زبان آذری امروز، چهره‌ی راستین این واژه‌ها را به خواننده شناسانده است. در کنار این کار، او دو کار مهم دیگر نیز انجام داده است: نخست یادآوری این مهم که گویش‌ها و نیم‌زبان‌های غیرفارسی، هر چند و گشتاری‌اند و خویشاوند زبان نوشتاری فارسی‌اند. دوم اینکه، از وجود یک زبان همگانی نوشتاری در سرتاسر ایران سخن گفته است که با گویش‌های دیگر ایرانی هم‌خانواده است و پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد. بدین‌سان، او پیوندهای ژرف و استوار زبان آذری، زبان آذربایجانیان پیش از ورود زبان‌های عربی و ترکی، با زبان فارسی و دیگر زبان‌های خانواده‌ی زبان‌های ایرانی را نشان می‌دهد.

انتشار کتاب آذری یا زبان باستان آذربایجان، راه را برای انجام پژوهش‌های دیگر در زمینه شناخت زبان و فرهنگ استان ایرانی

آذربایجان هموار کرد و از زمان انتشار این کتاب تا به امروز، پژوهشگران ایرانی انبوهی از کتاب و مقاله را در این زمینه منتشر کرده‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که گونه‌ای از زبان ترکی که با نام «ترکی آذربایجانی» در استان آذربایجان گویشورانی دارد، در گفتار ساختاری همچون دیگر زبان‌های «خانواده زبان‌های ایرانی» دارد؛ دیگر اینکه واژگان «زبان آذری» در آن زنده مانده‌اند. افزون بر آن، امروزه با رجوع داری از این پژوهش‌ها، از دلایل ترکی شدن زبان مردمان آذربایجان، آگاهی‌های سودمندی به دست آورده‌ایم.

پسر از ترانه کسروی، کتاب آذری یا زبان باستان آذربایجان، بارها، از سوی ناشران گوناگون منتشر شده است و گهگاه، ناشر یا ویراستاری که کتاب به کوشش او منتشر شده است، چیزهایی را از آن حذف کرده یا مطالبی را به آن افزوده است. در چاپی که پیش روی دارید، کوشیده‌ام تا به نسخه اصلی که دستاورد اندیشه و قلم کسروی است، وفادار بمانم و حتی از دگرگون کردن رسم خط این کتاب گرانمایه، جز در برخی جای‌ها، خودداری کرده‌ام. آنچه به این کتاب افزوده‌ام، نمودار «درخت خانواده زبان‌های ایرانی»، «کتاب‌شناسی زبان آذری» و «آذربایجان به زبان فارسی» و نمایه است.

باشد تا خواننده با خواندن این کتاب، یکی از زبان‌های باستانی ایران و پیوندهای راستین آن با دیگر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی را شناسد و هم‌فرهنگی تیره‌های گوناگون ایرانی را بهتر دریابد.

عقاب علی‌احمدی

نوروز ۱۳۹۵

دیباچه

بسیار اند سال پیش یک رشته گفتارها در روزنامه‌های تهران و قفقاز و استانبول در میان مردم آذربایجان و زبان آنجا نگارش می‌یافت. در عثمانی در آن زمان دست «اتحاد و ترقی» به روی کار آمده و آنان به این می‌کوشیدند که همه ترک را در هر کجا که هستند با خود همدست گردانند و یک توده ترک بسیار بزرگ بدید آورند و در قفقاز نیز پیروی از اندیشه ایشان می‌نمودند. و چون آذربایجان در جنبش مشروطه‌خواهی شایستگی بسیار از خود نموده و در همه جا بنام شده بود، نویسندگان قفقاز و استانبول آن را از دیده دور نداشته و از آن که زبان ترکی در آنجا روان است دستاویز یافته، گفتارهای پیاپی در این آذربایجان و خواست خود می‌نوشتند.

این گفتارها در آذربایجان کارگر نمی‌افتاد؛ زیرا آذربایجان خواه است نویسندگان آنها را نیک می‌دانستند و با جانفشانی‌هایی که در آذربایجان راه پیشرفت مشروطه از خود نموده و جایگاهی که برای خود میان توده ایران باز کرده بود، هیچ نشایستی که پیروی از اندیشه دیگران نماید. این است مردم در آنجا کمتر ارجحی به آن نگارشها می‌نهادند.

لیکن در تهران روزنامه‌ها به جوش آمده، به پاسخ می‌کوشیدند و چیزهایی می‌نوشتند که اگر ننوشتندی بهتر بودی. زیرا اینان نه از خواست نویسندگان ترکی آگاه می‌بودند که از راهش به جلوگیری از آن کوشند، و

نه چگونگی داستان مردم و زبان آذربایجان را از روی دانش و تاریخ می‌دانستند که پاسخهای درستی به ایشان دهند. اگر آنان سخنان بی‌پای می‌نوشتند، اینان با سخنان بی‌پای دیگری پاسخ می‌دادند؛ و این پیکار و کشاکش هر چند سال یک‌بار تازه می‌گردید و هیاهو از سر گرفته می‌شد. آذربایجان همیشه بخشی از ایران می‌بوده و کمتر زمانی از آن جدا گردیده. با این همه زبانش ترکی می‌باشد؛ و این خود چیستانی شده و به دست روزنامه‌نویسان عثمانی و ایران افتاده بود. این شگفت که چیزی را که می‌بایست به جستجو از راه تاریخ به دست آورند، هر کسی با گمان و پندار، سخن دیگری بیرون می‌داد.

چنان‌که یکی از روزنامه‌های تهران می‌نوشت: «مغولان چون به ایران آمدند با زور و فشار ترکی را در آذربایجان رواج دادند». این است نمونه‌ای از پاسخهایی که به نویسندگان ترک داده می‌شد و شما چون بسنجید، چندین نادرست در آن پدیدار است. زیرا چنین چیزی در هیچ تاریخی نوشته نشده و مغولان با صلح و خویخواری و بیدادگری از این بیداد به دور بوده‌اند که زبان مردم را دیگر سازند. و آنگاه زبان مغولان ترکی نبوده تا آن را با زور روان گردانند. زبان مغولی را از ترکی است و دوری در میانه بسیار است. گذشته از اینها مغولان که به سده ایران چیره بودند، پس چه شد که ترکی را تنها در آذربایجان رواج دادند؟ پس از همه اینها خواهیم دید که در زمان مغولان هنوز در بیشتری از شهرهای آذربایجان، به ویژه در تبریز، به زبان دیرین آنجا سخن گفته می‌شده و این پس از زمان ایشان است که ترکی در آنجا رواج گرفته.

در هجده سال پیش که من به تهران آمدم این گفتگوها بازار گرمی می‌داشت؛ و چون سخن از آذربایجان و مردم آنجا می‌رفت و من برخاسته از آذربایجانم، بر آن شدم چگونگی را از راهش جستجو کنم و به نتیجه روشنی رسانم. ولی در آن زمان دسترس به کتابهایی نداشتم و سپس نیز تا چند سال در مازندران و زنجان و خوزستان می‌گردیدم تا در سال ۱۳۰۴

به تهران بازگشتم. و چون فرصت و کتاب، هر دو، را داشتم به جستجو پرداختم و خرسندم که به آسانی توانستم آذری یا زبان دیرین آذربایجان را پیدا کنم و نمونه‌هایی از آن به دست آورم؛ و نیز چگونگی رواج ترکی را در آن سرزمین از راه تاریخ بشناسم. این است دفتری به نام آذری یا زبان باستان آذربایجان پدید آوردم که در همان زمان به چاپ رسانیدم و پراکنده گرداندم که اگرچه نادانانی به زیان‌درازی‌ها برخاستند لیکن دانشمندان از ارزش علمی باز نایستادند.

نخست ده سال دانشمند ما آقای محمد احمد گفتاری به انگلیسی در پیرامون آن در رومنامه تأییم میان‌رودان^۱ نوشتند و سپس همو دفتر را به انجمن آسیایی لندن داد که خود از اندامهای آن بودند، پیشنهاد کردند و انجمن ارجشناسی نموده و برق‌شناس دانشمند به نام سردنیس راس آن را با اندک کوتاهی به انگلیسی ترجمه و در مهنامه انجمن به چاپ رسانیدند. سپس نیز ایران‌شناس دانشمند روسی، میلر آن را به روسی آورده و چاپ کردند.

بدینسان دفترچه در زمان اندکی در میان برق‌شناسان اروپا شناخته گردید و پندارهای نابجایی که بسیاری از ایشان درباره زبان و مردم آذربایجان داشتند از میان رفت و نام آذری به معنی درست خود^۳ در نگارشها به کار رفت و از همان هنگام پیوستگی و آمیزش من با دانشمندان اروپا پیدا گردید و با پیشنهاد آقای محمد احمد به چندین انجمن بزرگی در اروپا و آمریکا راه یافتیم.^۴

1. *The Times of Mesopotamia*

2. *The Royal Asiatic Society*

۳. پیش از آن برخی از نگارندگان اروپایی «آذری» را ترکی آذربایگان شناخته بودند. چنان‌که در انسیکلوپیدی اسلامی در حرف الف که پیش از دفترچه من چاپ شده، آذری را به همین معنی آورده. لیکن سپس در حرف تاء در گفتگو از تبریز که پس از دفترچه من چاپ یافته، آذری به معنی درست خود آمده.

۴. یکی از آنها خود انجمن آسیایی پادشاهی لندن و دیگری آکادمی آمریکا بود با سه انجمن دیگر که اکنون از همگی کناره جسته‌ام.

لیکن هنگامی که من آن دفتر را نوشتم، دانشی درباره «زبان‌شناسی» نداشتیم و این است زمینه را تنها از راه تاریخ دنبال کردم و درباره زبان آذری و پیوستگی آن با زبانهای دیگر ایران چیزی ننوشتم و به این ناآگاهی خویش در آن دفتر خستوان شدم. ولی پس از پراکندن آن دو-سه سال به «زبان‌شناسی» پرداختم، بدینسان که زبان پهلوی را نیک آموختم و زبان باستان ارمنی (گرایار) را یاد گرفتم و به زبان کهن هخامنشی نزدیک رفتم. نیز از راههای دیگری به «زبان‌شناسی» که خود یکی از دانشهای ررنج است پرداخته و در آن باره نیز به نتیجه‌های سودمندی رسیدم. پیداست که در این میان زمینه آذری هم روشن گردید و من پی به جایگاه او میان زبانهای ایرانی برده و پیوستگی آن را با اینها دریافتم. از آن سوی پس از پراکندن دفتر آذری یا زبان باستان آذربایگان کسانی نامه‌هایی از تبریز و خلخال فرستادند و آگاهی دادند که در پاره‌ای از دیه‌های آذربایجان از گلین‌قیه و هنوز خلخال و مانند اینها، زبان باستان باز مانده و هنوز با آن سخن گفته می‌شود. و در یکی نمونه‌هایی را از زبان یکجایی فرستادند.

اینها مرا واداشت که در سال ۱۳۰۹ به هنگامی که چند ماهی بیکار بودم و فرصت داشتم، یادداشت‌های دیگری در پیرامون زبان آذربایجان پدید آوردم و آن دفتر را به گونه دیگری انداختم. لیکن در فرصت چاپ نیافتم همچنان بازماند. سپس نیز بیکبار از آن راه بروی آماده و به کوششهای دیگری برخاستم و کمتریادی از آنگونه نگارش می‌کردم. تا از دو سال پیش که کسانی آن دفتر را می‌خواستند و چون از نسخه‌های آن هیچ باز نمانده، پیاپی خواستار شدند که دوباره آن را به چاپ برسانیم و نتیجه آن خواهشهاست که اینک به چاپ این دفتر می‌پردازیم.